



۱۳ جون ۲۰۱۶

مير عنايت الله سادات

چگونه سياست اقتصادي؟

اکثریت افغانها از جریان وضع ناهنحار اقتصادی در وطن شان به ستوه آمده اند. همه می پرسند که سرنوشت آنهمه پولهای ظاهر " امداد شده خارجی برای افغانستان به کجا کشید؟ چرا با صرف آنهمه پول، در زیربنای اقتصادی جامعه ما تحولی رونما نگردید؟ چرا محلات کار ایجاد نشد و چرا شمار انسانهای که در زیر خط فقر مجبور به امرار حیات اند، هنوز هم در حال افزایش هستند؟

پاسخ به این سوالها، مشکل نمی باشد. زیرا عوامل بمیان آورنده چنین وضع، مبهم و نامعلوم نیستند. همه مردم، همین یک جواب را میشوند که: " این پولها زیر نام متشبهین خصوصی (افغان یا خارجی) به جیب دزدان، قاچاقبران و زورمندان وابسته به مافیای بین المللی رفت ". ولی باز هم این سوال مطرح میشود که چرا چنین وضع بوجود آمد؟ تا آنهمه مبالغ هنگفت در زیر نام امداد به افغانستان و مردم زجر کشیده آن، در اختیار مفسدین قرار بگیرد؟

درین ارتباط، اکثر " منحیث جواب شنیده میشود که هدف قدرتهای کمک کننده، این بود تا با امداد شان از بیرون، یک طبقه سرمایدار وابسته به خود را در افغانستان بوجود آورند. تا باشد که با این وسیله، راه پیوست این کشور را به سیستم سرمایداری جهانی هموار سازند. اینکه آنها، نتایج عملکرد خود را درست پیش بینی نکرده و به عوض یک طبقه دلخواه شان، سیستم مافیایی را بوجود آوردند، قضیه است که قابل دقت میباشد. بناء " جای دارد که سوال شود: آیا بخاطر تحقق این مأمول، همکاران افغان آنها مقصر اند؟ و یا خواست اصلی قدرتهای کمک کننده، بر پایه واقعیت های جامعه افغانی استوار نبود؟

جریان موجود، این واقعیت را بازگو میکند که عملکرد هر دو گروه، مکمل همدیگر بوده و یکجا باهم، مسبب بحران جاری میباشند. اولین اشتباهی که زمینه بی نظمی ها را بوجود آورد و به خود کامگی ها فرصت داد، ارزش ندادن به واقعیت های موجود جامعه و کاپی کردن " سیستم اقتصادی " از خارج بود. در حالیکه سیستم اقتصادی هر کشور، مبتنی بر ارزشها، عوامل تولید و واقعیت های اقتصادی و اجتماعی همان کشور، بمیان میآید. در افغانستان از سالیان متمادی، هر دو سکتور خصوصی و دولتی در کنار هم قرار داشته و یک " سیستم مختلط اقتصادی " را میساختند. تا آنکه با آغاز جنگهای تنظیمی در اپریل 1992 و سپس سلطه طالبان، نهاد های اقتصادی ضربات شدید را متحمل شدند. شماری زیادی از مؤسسات تولیدی تخریب و یا غیر فعال ساخته شدند. وقتی از " سیستم اقتصاد مختلط " حرف زده میشود، منظور از کدام راه سومی نیست. بلکه این سیستم، افاده است از ترکیب هر دو سیستم " آزاد " و " مرکزی ". همین ترکیب " سیستم اقتصاد مختلط " را شکل میدهد. برای آنکه سیستم اقتصاد مختلط درست شناسایی شده بتواند، بیمورد نخواهد بود، اگر مشخصات هر دو سیستم متذکره (آزاد و مرکزی)، اندکی برجسته گردد.

1- سیستم اقتصاد بازار آزاد: این سیستم بر اصالت فرد استوار بوده و مبتنی بر خواسته های اقتصادی افراد شکل میآید. پایه این سیستم بر رقابت آزاد بناء یافته و همین رقابت، میکانیزم بازار را تنظیم مینماید. قیمت ها در پرتو همین میکانیزم، بالاتر عرضه و تقاضا بمیان میآیند. درین سیستم مداخله دولت بر جریان تولید، توزیع و استهلاك، وجود ندارد.

2- سیستم اقتصاد مرکزی: این سیستم در جهت مقابل سیستم اقتصاد بازار آزاد قرار داشته و بر اصالت جامعه تاکید میورزد. این سیستم مالکیت فردی را نفی نموده و تنها مالکیت اجتماعی و دولتی را می پذیرد. بعبارة دیگر، آزادی های فردی در شکل دهی اقتصاد جامعه، مطرح نیست.

کدام سیستم اقتصادی در جامعه افغانستان، موثر و واقعینانه است؟

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنې ښي پاڼو د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

با نگاه مختصر بر مشخصات و قابلیت های هردو سیستم فوق الذکر، میتوان به این قضاوت رسید که سیستم اقتصاد مختلط، یگانه چوکات ممکن و واقعینانه برای رشد اقتصاد و ترقی افغانستان میباشد. اما چرا قدرتمندان ازین واقعیت طفره رفتند و در ماده دهم قانون اساسی افغانستان، " نظام اقتصاد بازار" را تسجیل نموده و اقتصاد کشور را تنها بر محور آن قرار دادند. گرچه در ماده بعدی (یازدهم) از تنظیم قوانین در امور مربوط به تجارت داخلی و خارجی " وعده داده شده است. اما جالب است که گزینش سیستم اقتصاد آزاد، بدون انفاذ سایر قوانین تنظیم کننده و ضمیمه به این سیستم، رسمیت یافت و هنوز هم بدون توجه به ماده یازدهم قانون اساسی، مورد استناد قرار میگیرد.

طوریکه قبلاً تذکار یافت، اصول " نظام اقتصاد بازار" بر پایه رقابت استوار است. برای اینکه " رقابت آزاد" تحقق یافته بتواند، باید قانون منع انحصار نافذ باشد. عدم انفاذ این قانون، زمینه را برای انحصار قدرتمندان داخلی و صادر کنندگان خارجی، بخصوص از ایران و پاکستان مساعد ساخت. علاوه بر تأثیرات منفی ناشی از نبود قوانین، ترکیب دولت مرکزی نیز سبب میشود که دولت هم در عملکرد هایش، توان کنترل انحصار گران را نداشته و مناطق زیادی در زیر نفوذ مخالفین مسلح و چپاولگران محلی قرار داشته باشد. مطرح ساختن اقتصاد آزاد در چنین اوضاع و احوال، فی الواقع قانونیت بخشیدن به عملکرد آنها میباشد.

در افغانستان هنوز هم بازار سرتاسری ملی وجود ندارد. تولیدات داخلی هم به سراسر کشور راه نیافته و محلی باقی مانده است. هنوز در برخی مناطق سرحدی، امور تجارت، به بازار های همسایه ها وابسته شده و در آنجاها به پول رایج کشور های همسایه خرید و فروش صورت میگیرد. کمبود عرضه خدمات صحی از جانب دولت و نبود نظارت بر قیم مواد غذایی و سایر مایحتاج مردمان کم بضاعت، شرایط زندگی را تنزیل داده و قدرت خرید اکثریت مردم را محدود ساخته است. کم شدن قدرت خرید به معنی نزول تقاضا در مارکیت بوده و شاخصی است برای شناسایی سطح فقر و بیکاری. اما این حالت بر مفسدین تأثیر منفی نداشته و زمینه های نفع برداری آنها، کما فی السابق ادامه میآید. زیرا طوریکه قبلاً تذکر یافت، دولت توان جلوگیری از سوء استفاده های جاری را ندارد. علاوه بر خرابی وضع امنیتی و نفوذ مفسدین در اداره دولت، نبود قوانین بازدارنده فساد، هم خود بخود، نقش دولت را محدود ساخته و به مفسدین فرصت میدهد تا زیر نام " اقتصاد آزاد" استفاده های ناجایز شان را توجیه و تبریته نمایند.

مخالفین سیستم اقتصاد مختلط، مداخله دولت را در عرصه اقتصادی، نفی نموده و چنین بهانه سازی مینمایند که گویا قدرتهای تمویل کننده، تنها در صورت موجودیت و تداوم اصول " بازار آزاد"، به کمک های شان ادامه میدهند. اگر کنترل دولت و نقش آن بر امور اقتصادی افزایش یابد، آنها از دادن کمک های شان به افغانستان منصرف میشوند. چنین اظهارات بی اساس است. زیرا از یکطرف انگیزه های جیوستراتیژیک و جیواکونومیک کشور های کمک کننده را به افغانستان، مورد سنجش قرار نمیدهد، و از جانب دیگر به مساعی دولت هایی که " سیستم بازار آزاد" را اساس و سرمشق شان قرار داده اند، ولی پیوسته بخاطر انطباق با شرایط جدید در پی اصلاح ان اند، توجه نمی نماید.

یک نظر مختصر نشان میدهد که چگونه این دولتها، ماورای سیستم بازار آزاد عمل کرده، کمک های شان را در عرصه صحت، تعلیم و تربیه، تغذیه و مسکن در قالب مکلفیت های قانونی دولت به مستحقان کشور های شان عرضه مینمایند. بعضی ازین دولتها در عرصه چنین کمکها پیش گام بوده و نو آوری های زیادی را انجام داده اند. اما سایرین نیز در همین مسیر قرار داشته و با فراهم شدن شرایط و قانع ساختن مخالفین اصلاحات، گامهای عملی را درین عرصه بر میدارند. از همین جهت سهم دولت ها (سکتور دولتی) در روند رشد اقتصادی جوامع، یکسان نبوده و مبتنی بر چگونگی تکامل اجتماعی هر کشور، نهاد های اقتصادی، بنیاد های حقوقی و اجتماعی جامعه آن، معین میگردد.

در کشور های که سکتور دولتی مسئولانه عمل کرده و یکجا با سکتور خصوصی در پرتو سیستم اقتصاد مختلط، امور اقتصادی را به پیش میبرند، سطح رفاه اجتماعی ارتقا یافته و کمتر هموطنان شان در زیر خط فقر زندگی مینمایند. گزارشات مؤسسات تحقیقاتی بر این واقعیت صحه میگذارد. درین راستا، " صندوق بین المللی پول" ضمن یاد آوری از چندین کشور، وضعیت اقتصادی سویدن را خیلی مناسب تعریف کرده است. زیرا بر طبق بررسی مؤسسات تحقیقاتی در آن کشور، هیچ یک از شهروندان آن در زیر خط فقر زندگی نمی کند.

پیامد تسجیل "نظام اقتصاد بازار" در قانون اساسی افغانستان:

د پانوی شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلینکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

پس از انفاذ قانون اساسی جدید در سال 2003 موج خصوصی سازی تصدیهای دولتی و سایر ملکیت های عامه ، بصورت طوفانزا آغاز شد. باید متذکر شد که تا ماه اپریل 1992 به تعداد 177 تصدی دولتی در کشور فعال بوده و بیش از سه صد هزار کارگر در آنها مصروف کار بودند. ولی بلااثر جنگهای بین تنظیمی ، در اکثریت این تصدیها ، جریان تولید متوقف شده و حتی وسایل تولیدی آنها نیز آسیب دیدند. پس از سقوط طالبان و مسجل شدن " نظام اقتصاد بازار " در قانون اساسی ، نه تنها هیچ اقدامی در جهت اعمار مجدد این مؤسسات نشد ، بلکه همه تلاش ها درین جهت استقامت یافت ، تا تصدی های مذکور زیر نام " خصوص سازی " به زورمندان و معامله گران قدرت ، تعلق بگیرد. به این ترتیب تعداد زیادی ازین تصدی ها در پوشش داوطلبی های دروغین از ملکیت دولت جدا شدند و برخی دیگر آنها بخاطر ملحوظات میان گروهی ، هنوز هم بفروش نرسیده و بصورت غیر فعال در تحت پوشش دولت قرار دارند.

با به راه افتادن این روند ، نه تنها املاک دولت در بخش صنعت مورد معامله قرار گرفت ، بلکه در بخش زراعت هم ، دولت املاک خود را از دست داد . بیش از یک میلیون جریب زمین دولت از جانب زورمندان غصب شد . اما هیچ اقدام عملی برای باز پس گیری آن براه نیافتاد . وضع معادن و احجار قیمتی نیز به همین منوال بوده و سالانه از بابت آن ، میلیونها دالر به جیب مافیای و مخالفین مسلح دولت میرود . حالت فوق الذکر نشان میدهد که زیر نام " نظام اقتصاد بازار " ، سکتور دولت تضعیف گردید ولی خلای ایجاد شده ، بوسیله تأسیسات خصوصی پر نشد . بلکه در عوض ، شبکه پر قدرت مافیایی جاگزین آنها گردید. با تقویه شدن شبکه مافیایی ، زرع و قاچاق مواد مخدر ، دزدی سنگهای قیمتی و آثار تاریخی افزایش بی سابقه یافت . طی سالهای که اقتصاد کشور در پرتو " نظام اقتصاد بازار " به پیش برده شد ، هیچ تغییر محسوس و مثبت در زیربنای اقتصادی ، تولید ملی و بیلبانس تجارت رونما نگردیده است . در شعبات صدور جواز نامه های تجارتي ، شمار زیاد متقاضیان ، منحیث متشبهت خصوص ثبت نام نموده اند . اما اکثریت آنها از حمایت های قانونی برخوردار نشده و به اهداف خود نرسیدند. زیرا تا کنون " قانون جلوگیری از انحصار " ، " مقررات گمرکی بخاطر حمایت محصولات ملی " و دهها قانون حمایتی دیگر برای رشد تولیدات ملی وضع نشده است . این حالت زمینه های رشد را برای تاجران ملی مهیا نساخت . بلکه در پوشش برنامه خصوصی سازی ، فرصت را برای کسانی فراهم نمود که به تشبثات مستقل خصوصی اشتغال نداشتند . یعنی درست آنهایی که منحیث دلال ها ، منافع کمپنی های خارجی را در افغانستان به پیش میبرند و یا اینکه به شبکه های مافیایی تعلق دارند . معضلاتی که مختصرا" در بالا ذکر گردید ، میتواند اینطور جمع بندی شود : قانونیت دادن به یک سیستم اقتصادی غیر قابل انطباق به جامعه افغانی ، ضعیف ساختن عمدی سکتور اقتصاد دولت و عرصه دادن به زور مندان ، قاچاقبران و شبکه های مافیایی ، مشکل بزرگی را آفریده است که باید راه حل آنرا دریافت .

راه حل چیست ؟

- 1- در لویه جرگه آینده که تعدیل برخی نکات در متن قانون اساسی مطرح است . باید ماده دهم قانون اساسی اصلاح شده و " سیستم اقتصاد مختلط " ، جانشین " نظام اقتصاد بازار " گردد.
- 2- برای آنکه فرصت ضایع نشود . باید قبل از تعدیل قانون ، هرچه زودتر به فرمان رئیس جمهور ، مقررات منع انحصار نافذ گردد.
- 3- همچنان به ورود یک تعداد اقلام غیر ضروری و یا اقلامی که بدیل آن بوسیله متشبهتین ملی در داخل تولید میشوند ، قطعاً اجازه داده نشود.
- 4- سکتور دولتی دوباره احیاء شده و آن تصدی های دولتی که تا هنوز به فروش نرسیده اند ، مانند فابریکات نساجی گلپهار و خانه سازی کابل و امثال آن ، ترمیم شده و مجددا" به تولید آغاز کنند .
- 5 استخراج و بهره کشی معادن باید تنها به دولت تعلق بگیرد. چون در احوال فعلی ، دولت پول کافی جهت سرمایه گذاری درین عرصه ندارد ، باید استخراج معادن کوچک روی دست گرفته شود . یا آن معادنی که جهت استخراج آن امداد و یا قرضه خارجی تهیه شده می تواند ، آغاز گردد. سهم ساختن خارجی ها در معادن افغانستان عواقب ناگوار سیاسی و ملی دارد . باید از تجارب سایر کشور های جهان سوم آموخت .
- 6- منابع انرژی هم باید هرچه زودتر فعال شده ، و تولید برق داخلی ، جانشین ورود برق خارجی گردد. این عرصه هم باید کاملاً به دولت تعلق داشته و از شرکت خارجی ها در سرمایه گذاری این بخش هم ، صرف نظر شود. زیرا این بخش درآمد بی خطر و دائمی دارد. باید نفع آن به خزانه دولت برود.

د پانیو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
پاډونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

- 7 - محاکم اختصاصی بخاطر به دادگاه کشانیدن غاصبین اراضی دولتی ، دزدان وقاچاقبران آثار باستانی ، احجار قیمتی و مواد مخدر هرچه زودتر تدویر یابد و نتایج آن اعلان گردد. تا اطمینان ملت حاصل گردد. وقت کشتی در زمینه ، آب را به آسیاب مجرمین میریزد .
- 8- هرچه زودتر ، منابع تمویل مخالفین مسلح در داخل کشور خشکانیده شود . به عبارت دیگر به زرع تریاک و استخراج خود سرانه معادن پایان داده شود .
- 9- نکته آخر بمثابة تکرار احسن اینست که : انتخاب سیستم اقتصادی ، حق ملت است . بگذارید تا این انتخاب بر اساس اراده عموم مردم ، تحقق یابد . ختم

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ